



سخنی پیرامون تشکیل دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری

مقصود از اصل حقوق و یا احیاء حقوق که در بالا ذکر آن رفت توجه به جوانب مختلف زندگی بشر می باشد که حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره را شامل می گردد و در واقع می توجیهی و یا یک توجهی به هر یک از موارد فوق به همان نسبت رکود و کندی در نیل به شکوفائی اقتصادی، عرفانه زیستن با معنا و رشد و تعالی را به همراه خواهد داشت.

مقدمت علم اسلام از همان روزهای نخست ظهور، به دفاع از حقوق از دست رفته و پایمال شده محرومین و مظلومین برخاست. در این میان جامعه زنان که در بدترین شرایط زیستی از حیث عدالت اجتماعی به سر می بردند و بیشترین ظلم و تعدی بدانان وارد می آمد با ظهور اسلام سرفصلی زرین و نقطه عطفی در تاریخ حیات جوامع بشری و خاصه تاریخ اجتماعی زن گشوده شد با ظهور اسلام، مقام، منزلت و جایگاه واقعی

اسلام دینی است که از یک سو رشد و تعالی انسان و از سوی دیگر احقاق حقوق تمامی طبقات و اقشار جامعه را همواره مد نظر قرار داده و توجه بدان امور را از جمله اهداف مهم خود می داند، به بیان دیگر اسلام در ارتباط با انسان همواره دو هدف را دنبال نموده است هدایت همه افراد به سوی رشد، رستگاری، تعالی و نیل به سعادت و مقام عالی انسانیت. در یک کلام هدایت در مسیر خداگونگی، نخستین هدف به شمار رفته و برقراری روابطی معقول، عادلانه و خداپسندانه بین انسانها، بسط عدالت در پهن گیتی، رعایت حقوق همه اقشار محور هر نوع فرهنگ استیلاجویی، دومین هدف از تعالیم اسلامی محسوب می گردد. بدین ترتیب در پرتو یک چنین روابطی عادلانه و خداپسندانه زمینه برای هدایت جامعه اسلامی به سوی رستگاری و رشد فراهم می آید.

زن در جامعه تبیین گشت.

حضور زن به عنوان مری در عرصه تعلیم و تربیت و پرورش و تکامل فرده نقش زن در مبادین اقتصادی و اجتماعی جامعه و غیره به مرور در جوامع مختلف شکل گرفت. و انقلاب اسلامی که در حقیقت تبلور عینی اسلام و نیز تجلی اهداف و آرمانهای نهفته در کتاب آسمانی قرآن بوده دگر بار همچون صدر اسلام در صدد احیاء حقوق واقعی زنان برآمد و با ارائه برنامه‌های جامع، زن ایرانی دیروز را که می‌رفت با تأثیرپذیری از فرهنگ منحط غرب اصول و مبانی موجود در مذهب خود را به کلی به دست فراموشی سپارد، حیاتی دیگر بخشید.

با حاکمیت اسلام در ایران و با الهام از آیات قرآن و نیز با رهنمودهای پیامبرگونه امام راحل، مقام والای زن احیاء گردید.

بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران با بیانات خویش بالاترین درصحات معنوی را از آن زنان دانست و بیشترین تجلیها را از این قشر عظیم به عمل آوردند تا بدین ترتیب ضمن طرد زمینه‌های انحرافی فرهنگ دیروز، شرایط ذهنی و فرهنگی نوین را در جامعه جایگزین سازد و اذهان عمومی جهان را متوجه مقام و موقعیت زن در اسلام بنماید، که در واقع «زن مری جامعه است»^(۱) «زن مظهر تحقق آمال بشر است»^(۲) «مریی انسانها زن است»^(۳) «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است»^(۴) و رهنمودهای بی‌شمار دیگر در این سطح که می‌توان با نگرش دقیق در کلام امام، راه امام، تفکر و پیش امام که همانا تجسم عینی قرآن می‌باشد را جستجو کرد.

با نگاهی به وقایع و مأموریت‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی طسی سالهای حیات حضرت امام (ره) و نیز سمت‌نگریها و مواضع آن حضرت در خصوص زن، بهتر و دقیقتر می‌توان به نقش این عنصر مهم پی برد.

امام خمینی «ره» با واگذاری یکی از مأموریت‌های مهم سیاسی - عقیدتی خویش به خواهر انقلابی سرکار خانم دباغ تحت عنوان - سفیر خویش - به شوروی سابق عملاً روشنگر

*** از زنان متعهد ایران اسلامی می‌خواهیم با همکاری هر چه بیشتر با دفتر امور زنان، مسئولین آن را در حل مشکلات مربوط به زنان یاری نمایند.**

راه بودند و ما با اتخاذ یک چنین تدابیری، از سوی بنیانگذار انقلاب به جایگاه زن پی خواهیم برد. مقام معزز رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای که به حق فرزند خلف حضرتش هستند نیز چه در زمان تصدی پست ریاست جمهوری و چه در مقام ولایت امری همواره توجیه و عنایت خاصی به امور مربوط به زنان مبذول فرموده و مشوق وجود تشکیلاتی منسجم برای زنان و حضور گسترده‌تر آنان در جامعه بوده‌اند.

*** مقام معظم رهبری چه در زمان تصدی پست ریاست جمهوری و چه در مقام ولایت امری، همواره توجه و عنایت خاصی به امور مربوط به زنان مبذول فرموده و مشوق وجود تشکیلاتی منسجم برای زنان و حضور گسترده تر آنان در جامعه بوده اند.**

جامعه و نیز تأثیری که در رشد و یا انحطاط جامعه از خود بر جای می گذارند همواره به عنوان انگیزه های برای جهانخواهران جهت همجو، فرهنگی و اجتماعی به بیکر نظامات محسوب می گردد. در راستای اهدافی اینچنین شوم، استکبار جهانی با ارائه «لوحها و الگوهای انحرافی برای زنان، جوامع بشری، خاصه انقلاب اسلامی ایران را در معرض تهدید و تهاجم قرار داده است. که در مقابل، ضرورت سرکشی جدی تر و قاطع تر را می طلبد.

حضور زن در صحنه های مختلف جامعه طی سالهای پس از انقلاب اسلامی، نقش زن در دوران جنگ تعمیلی و در پیشبرد اهداف نظام پاسداری از حریم ارزشهای اسلامی، زن و کانون خانواده زن و تربیت نسل فردا، زن و تولید، زن و فرهنگ شهامت زن و ابتکار و خلاقیت، زن و سیاست و... همه و همه تصویرست از سیمای روحانی زن در ایران اسلامی که پس از حاکمیت اسلام در این گوشه از جهان در مسیر خداگونه گی هدایت و رهت مون گشت.

و اما اکنون که در دوره سازندگی و برنامه ریزی به سر می بریم، هدایت بکارگیری و آفرینش تحرک در زنان، مستزم وجود یک تشکیلات منسجم است تا زنان جامعه امکان و توان حضور بیشتری را در زمینه های مختلف بیابند. و از سوی دیگر این تشکیلات با ارتباط بیشتر و نزدیک تر با سازمانها و تشکیلات زنان در سراسر کشور می تواند در اتخاذ تصمیمات موثرتر برای پیش برد اهداف نظام اسلامی درخصوص زن، گامهای اساسی تری بردارد.

و بجاست در این جا از اقدام ریاست محترم جمهوری بجناب آقای هاشمی رفسنجانی تشکر نموده و خواستار موفقیت روز افزون ایشان در تحقق آرمانهای نظام اسلامی باشیم و از زنان متعهد ایران اسلامی بخواهیم با همکاری هر چه بیشتر با این دفتر، مسئولین آن را در حل مشکلات مربوط به زنان یاری نمایند.

بدین ترتیب با وجود چنین دیدگاههای پویایی از سوی کارگزاران نظام اسلامی نسبت به زنان و نیز نگرش مقام محترم ریاست جمهوری در رابطه با فعالیت گسترده زنان در جامعه، انتظار تشکیل دفتر امور زنان می رفت.

جمهوری اسلامی ایران که رسالت رهبری جهان اسلام را به دوش دارد و مسلمین جهان که در صدد بوده تا نظامات دینی، سیاسی، اجتماعی و رفتاری خویش را مبتنی بر الگوهای موجود در جمهوری اسلامی تدوین نمایند به طور حتم این تأثیرپذیری و الگوپردازی، نوع پیش و برخورد نظام ما نسبت به زنان را نیز شامل می شود و ما را موظف به پاسخگویی به نیاز مسلمانان می نماید. که در راستای تحقق اهداف نظام، تشکیل دفتر امور زنان از جمله خواسته های به حق به شمار می رفته که خوشبختانه این نیاز با عنایات خاص مسئولین نظام برآورده شد.

حسابت نقش زن در شکل گیری ساختار اجتماعی

زیرنویس ها:

۱، ۲، ۳ و ۴ - در جستجوی راه از کلام امام - دفتر سوم



الجزایر؛ کودتا علیه مسلمانان

فرانسیویان به خاک الجزایر قدم گذاشتند، با اعلام جهادی که از سوی مردم در کره‌های «متبجه»^(۲) شد، آغاز گردید و تا زمان استقلال الجزایر، با فراز و فرودهای فراوان به طور وقفه ناپذیر ادامه پیدا کرد.

در این ایام، مسلمانان تحت عنوان تشکیلات و سازمانهای گوناگون، مبارزات خود را انجام بیشتری دادند^(۳). در میان سازمانهایی که در آن زمان، کار مبارزه را شروع کردند، تشکیلات «قدیره» که تمایلات اصلاح طلبانه و تجدید حیات مذهبی را داشت و به وسیله شیخ محسن الدین حسنی رهبری می‌شد، فعالتر و قدرتمندتر بود^(۴).

شیخ محسن الدین با آنکه توانست اتحادیه بزرگی از قبایل را به وجود آورد ولی به علت بالا بودن سن، فرماندهی قوای

با ظهور و توسعه سرمایه‌داری در اروپا و رشد شدید تمایلات سودجویانه در این قاره، تهاجم سلسله طلبانه کشورهای قدرتمند غرب به سوی شرق و جنوب (افریقا) آغاز شد. بدنبال این سیاست همه جانبه اروپائیان بود که سرانجام الجزایر نیز - به‌عنوان کشوری که می‌توانست طعمه خوبی برای استعمارگران باشد - در سال ۱۲۰۹ هـ ش (۱۸۳۰ م)، پس از درگیریها و کشمکشهای فراوان به اشغال فرانسیویان مهاجم در آمد^(۱). اشغال الجزایر به‌راحتی صورت نگرفت و مسلمانان به طور گسترده‌ای در مقابل این تهاجم ایستادند ولی استعمارگران در پناه سلاحهای مدرن خویش و با گشتار خونین بر الجزایر تسلط پیدا کردند. **جهاد علیه اشغالگران**

حکومت‌سلسله مردم در برابر این تهاجم، به مقتضای یک تکلیف دینی و سنت عمومی مسلمانان، «جهاد و مبارزه» بود. در حقیقت این عکس‌العمل از همان روزهای نخست که

مجاهدان را به فرزندش عبدالقادر واگذار کرد. (۵) بدین ترتیب، امیر عبدالقادر جهاد بسیار گسترده و فضائی را که پدرش از زمان هجوم فرانسویان آغاز کرده بود، پس از دو سال به تقطه اوج رساند و جهاد پانزده ساله و پرحسامه خویش را آغاز نمود. امیر عبدالقادر، در طول این سالها، حتی توانست دولتی نیز در مناطق تحت نفوذ بوجود بیاورد. (۶)

پس از مبارزات شجاعانه امیر عبدالقادر و سرکوب بیرحمانه این قیام توسط فرانسوها، شعله مبارزه در الجزایر خاموش نشد و قیامهای دیگری به طور مستمر صورت گرفت. در نهایت، قیام نهایی مردم مسلمان الجزایر، که از تاریخ پنجم ربیع الاول ۱۳۷۱ هـ ق (۱۹۵۱ م) به رهبری جبهه آزادیبخش شروع شد پس از هشت سال مبارزه عمومی، منجر به استقلال و رهایی این کشور گردید. (۷)

هر یک از قیامهای مردم الجزایر، ویژگیهای مخصوص به خود را دارد که بیان آن و ذکر چگونگی روایری آنها با فرانسویان، خود تاریخی مفصل و طولانی است. البته به موازات این قیامها، حرکتی هم که دارای جنبه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی و جهادی بودند و زمینه انقلاب، قیام و جنبش را بوجود آورده و به آنها جهت اسلامی و مذهبی می‌دادند نیز بوجود آمدند که حرکت عبدالحمید بن بادیس (مشهور به ابن بادیس) از آن جمله می‌باشد.

ابن بادیس برای مبارزه همه جانبه سیاسی و فرهنگی و جهادی با فرانسویان، «اتحادیه علما» را تشکیل داد و نهفت اصلاحگری را با شعار «الجزایر وطن ما، عربی زبان ما و اسلام مذهب ما» از سال ۱۳۱۰ هـ ق (۱۹۳۱ م) با همفکران خویش آغاز کرد. (۸)

انقلاب رهایی بخش

به هر حال، قیام و انقلاب رهایی بخش الجزایر که از سال ۱۳۷۱ هـ ق (۱۹۵۱ م) شروع شد و به رهایی الجزایر از سلطه فرانسه منجر گردید، دارای ویژگیها و کیفیاتی است که حقیقتاً از ایمان انسانیهای پاک سرچشمه می‌گرفت. از طرفی نهایت ایثار، از جان گذشتگی، یکدلی، استقامت و عزم زنان و مردان را در رسیدن به اهداف خویش می‌بینیم و در سوی

*** در جریان انقلاب رهایی بخش الجزایر، از طرفی نهایت از جان گذشتگی و استقامت زنان و مردان را در رسیدن به اهداف خویش می‌بینیم و از سوی دیگر، مخوفترین جنایتها را از جانب استعمارگران فرانسوی مشاهده می‌نماییم.**

دیگر، مخوفترین جنایتهای هولناک، بی‌رحمی‌ها و قساوتها و تجاوزگریها از جانب استعمارگران فرانسوی مشاهده می‌نماییم.

بسیار ۵۰۰۰۰۰ نظامی تعلیم دیده و مجهز به مدرنترین سلاحها (۹) برای سرکوب یک ملت طالب حق، پناهنده شدن دو میلیون کودک و کودک و پیر به کشورها و مناطق همجوار به خاطر وحشیگریهای سیهانه استعمارگران (۱۰)، کشتارهای بی‌رحمانه و مخوف (۱۱)، آدم رسانیهای ارتش استعمارگر (۱۲) یک میلیون شهید و دو میلیون اسیر در پشت میلههای خاردار (۱۳)، شکنجه‌های غم‌انگیز روانی و اجبار کودکان به مشاهده کشته شدن پدر و مادر خویش توسط سربازان استعمارگر (۱۴)، شیوع بیماریهای متعدد روانی در اثر قیام و مصیبت‌های فراوان (۱۵) و بسیاری از موارد و عناوین دیگر، که حقیقتاً ذکر و وصف آن از گنجایش این صفحات خارج است. همگی از وجوه و ویژگیهای افسانه‌ای این انقلاب رهایی بخش بشمار می‌رود.

فش زدن هر انقلاب الجزایر

یکی از موضوعاتی که همه صاحب‌نظران و نویسندگان



مبارز و مسلمان الجزایری گردید و اگر از این زنان مبارز شکست نمی خورد، می توانست به روند استعماری خویش ادامه دهد، که این امر به تنهایی نقش زنان مسلمان در انقلاب الجزایر را روشن می کند.

زنان مسلمان الجزایر از سال ۱۳۳۴ هـ ش (۱۹۵۵ م)، بسیار جدیتر از گذشته به صحنه آمدند و مبارزات واقعی و مستقیم خویش را علیه استعمار شدت بخشیدند. البته این امر را درک رهبران انقلاب از موقعیت و اهمیت زن در پیروزی بر استعمار تسهیل کرده بود؛ زیرا آنها دریافته بودند که پیروزی انقلاب، مسلماً باید منوط و متکی به حضور زن در صحنه انقلاب باشد (۱۸)

زنان مسلمان الجزایری به انحای مختلف و در زمینه های متعدد، در انقلاب نقش داشتند که نمونه هایی از آن به شرح زیر می باشد:

الف - انجام عملیات نظامی:

انجام عملیات نظامی، یکی از اقدامات حساسه آفرین زنان بود که قابلیت و شجاعت آنها را در اجرای عملیات حساس و مشکل به اثبات رساند. زنان، به دلیل نوع پوشش و حجاب

تاریخ انقلاب الجزایر در آن متفق القول هستند، اهمیت و نقش زنان مسلمان در پیروزی آن می باشد. زنان الجزایر در این انقلاب و قیام رهای بخش، به حکم وظیفه دینی و میهنی خود، همدوش و همهانگ با مردان الجزایر جنگیدند و نام خویش را در تاریخ ملل مسلمان جاودانه ساختند.

نقش زنان در روند استعمارزدایی از الجزایر، به قدری اهمیت داشت که استعمارگران می گفتند اگر «بر زنها پیروز شویم، باقی چیزها به دنبال آن درست خواهد شد» (۱۹).

استعمارگران بیان می کردند که: «اگر بخواهیم تاروپود جامعه الجزایر را در هم بشکنیم و امکان مقاومت را از آن سلب کنیم، قبل از هر چیز باید بر زنان الجزایر پیروز شویم، باید زنها را از زیر حجابی که در پس آن مخفی می شوند، بدر آوریم و از خانه های که مرد الجزایری، آنها را در آنجا مخفی می کند، بیرون بکشیم» (۱۷) بدین ترتیب ملاحظه می شود که پیروزی استعمار، در گرو پیروزی بر زنان ذکر می شود و مسلماً شکست آن نیز، در نتیجه شکست از زنان باید باشد. در حقیقت، استعمار در اینجا اعتراف می نماید که اوزمانی در الجزایر شکست نخورد و از آنجا گریخت که مغلوب زنان

خویش بهتر می‌توانست سلاح و مهمات با خود حمل کنند و آسانتر از مردان در جنگهای شهری و خیابانی و در دفاع از خانه و کاشانه خویش به‌طور ناگهانی به نیروهای اشغالگر یورش می‌بردند و دشمن را غافلگیر می‌نمودند^(۱۹)

ب. حمل اسلحه، مهمات و آذوقه

در بسیاری از موارد، حمل اسلحه و مهمات و نقل و انتقال آن در شهرها و روستاها، در بین هفته‌های رزمنده بسیار مشکل بود و مردانی که می‌خواستند دست به چنین کاری بزنند فوراً مورد سوء ظن دشمن واقع می‌شدند؛ ولی زنان به دلیل همان نوع پوشش و حجاب خویش، بهتر از مردان می‌توانستند عمل کنند و اسلحه و مهمات، بین نیروهای رزمنده پخش نمایند. زنها تنها اسلحه و مهمات حمل نمی‌کردند بلکه سعی می‌کردند کلبه نیازهای تدارکاتی رزمندگان را در حد توان برآورده کنند و به آنها غذا و آذوقه برسانند^(۲۰)

ج. انجام امور ارتباطی

در بسیاری از موارد، زنها به‌عنوان عاملین ارتباط به انجام وظایف انتقالی مشغول بودند. آنها پیامها و دستورات را به‌صورت شفاهی و کتبی به رزمندگان می‌رساندند و همچنین، وضعیت و موقعیت آنان را به مراکز فرماندهی و تصمیم‌گیری گزارش می‌دادند. بیان موقعیت دشمن و نیروهای مهاجم از دیگر کارهای ارتباطی زنها محسوب می‌شد^(۲۱)

د. انجام امور درمانی و بهداشتی

پرستاری و درمان مجروحین جنگی، از وظایف مهمی بود که زنان بر عهده داشتند. آنها در خانه‌ها و سایر مراکزی که به این امور اختصاص داشت مجروحین جنگی را پرستاری و درمان می‌کردند تا آنها مجدداً به صحنه پیکار اعزام شوند^(۲۲)

و. ترغیب مردان به رزم و پیکار

زنان در خیلی از موارد، گذشته از آنکه خود با شور و استقامت علیه دشمن استعمارگر مبارزه می‌کردند، مردان را نیز به پیکار و استقامت بیشتر ترغیب می‌نمودند. چه بسیار اتفاق می‌افتاد که زنی، همسر و فرزند خویش را تشویق

می‌کرد تا همانند جبهه‌داران اسلحه به دست بگیرد و از دین و میهن خویش دفاع کند^(۲۳)

همچنانکه گفته شد موارد فوق‌الذکر، تنها نمونه‌های معدودی هستند که به گوتندی از حضور زنان مسلمان در انقلاب راهی بخش الجزایر اشاره دارد و نقش مهم آنها را روشن می‌کند.

به هر حال، زنان و مردان الجزایری پس از سالها جهاد و استقامت، بر ارتش نیم میلیونی و سرایا مسلح فرانسه غلبه کردند و به حکومت استعماری آنها خاتمه دادند^(۲۴) و استقلال خویش را به دست آوردند. الجزایر، استقلال یافت و پیروز شد اما در طول سی‌سالگی که از عصر استقلال آن می‌گذرد، رهبران سیاسی جامعه انقلابی الجزایر هرگز نتوانست‌اند به خواسته‌های مردم مسلمان پاسخ مناسب بدهند و عملکردها را با خواستها و آرزوهای مردم منطبق نمایند. اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی، کم‌توجهی و بی‌اعتنایی به مسأله عدالت اجتماعی و بالاتر از همه تعابلات غرب‌گرایانه رهبران سیاسی و دور شدن آنها از اصول و ارزشهای اسلامی، چیزی است که مسلمانان الجزایر را دوباره وادار به حرکت کرده است تا خواستار یک حکومت اصیل و عدالت طلب دینی شوند. مسلمانان الجزایر، زمانی دست به



یک انقلاب آرام زده‌اند که هنوز نسل انقلاب پیشین در حیات بوده و با تأسف، نظاره‌گر انحراف انقلابشان از مواضع نخستین می‌باشند.

انتخابات؛ ترفندی برای کنترل مسلمانان

گذشته از ناکامی‌های انقلاب الجزایر و نارسایی‌های داخلی، چیزی که مردم مسلمان الجزایر را به آفرینش یک حرکت و انقلاب دیگر وادار نمود، وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود. مردم الجزایر با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به تدریج خواهان پیاده کردن الگویی جدید از حکومت اسلامی در کشور خویش شدند و به این منظور حرکت اسلامخواهی را آرام آرام آغاز کردند به طوری که بعد از چند سال تلاش، استقامت و مبارزه بالاخره توانستند از همان طریق که مورد قبول هیأت حاکمه بود (انتخابات آزاد)، به پیروزی بسیار چشمگیری برسند، غرب و هیأت حاکمه الجزایر، از آن جهت شیوه انتخابات آزاد را مطرح کردند که مبارزات اسلامی را از حالت جهادی و زیرزمینی به صحنه مبارزات سیاسی کنترل شده بکشاند^(۲۵) زیرا آنان دریافته بودند که دیگر به هیچ وجه نمی‌توان از رشد مبارزات اسلامی و اصول‌گرایی جلوگیری نمود و هر کاری که تا به حال برای سد نمودن این موج انجام داده‌اند همگی بی‌ثمر مانده و نتیجه

*** غریبها، برای جلوگیری از حاکمیت یافتن مسلمانان و طرد شدن غرب‌گرایان از صحنه سیاسی الجزایر، گذشته از آنکه هیأت حاکمه الجزایر را در کودتا علیه اسلام خواهی تأیید نمودند، از لحاظ فکری، سیاسی، تبلیغی نیز به آنها کمک کردند.**

عکس داده است.

انتخابات آزاد، با اینکه از حمایت غرب برخوردار بود و به مقتضای رویه و تبلیغات و اهداف سیاسی غرب، مورد تأکید آنها نیز قرار می‌گرفت ولی بعد از آنکه مسلمانان، پیروزی قاطعی (۸۰ درصد آرا) در این جریان به دست آوردند، غرب و مدعیان آزادی و دمکراسی با یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای به شیوه‌های مختلف، انتخابات آزاد را محکوم کرده و بار دیگر هدف واقعی خویش را از مطرح کردن دمکراسی روشن نمودند.

غریبها، برای جلوگیری از حاکمیت یافتن مسلمانان و طرد شدن غرب‌گرایان از صحنه سیاسی الجزایر گذشته از آنکه هیأت حاکمه الجزایر را در کودتا علیه اسلامخواهی تأیید نمودند و از لحاظ سیاسی و تبلیغی و فکری به آنها کمک نمودند، مواضع کودتاه و منفعت‌طلبانه‌ای در پیش گرفتند که از دید روشن‌بینان و آزادی‌خواهان، مایه ننگ غریبها و نشان دهنده نیت واقعی آنها از طرح عناوینی همچون دمکراسی حقوق بشر و غیره است: غریبها پس از انتخابات و پیروزی مسلمانان، گفتند که «استفاده از دمکراسی حق ماست». حق کسانی که سالها علیه سلطه کلیسا مبارزه کردند. دمکراسی، دستاورد جدایی دین از سیاست است. بنابراین، مسلمانها مادامی که قائل به تر همراهی دین و سیاست هستند نمی‌توانند از این مواهب استفاده کنند مگر همانند ما، قلمرو مذهب و سیاست را از یکدیگر جدا کرده باشند»^(۲۶)

در جای دیگر، غریبها کودتا علیه روند انتخابات آزاد را یک حرکت دمکراسی‌گرایانه خواندند و بیان کردند که چون مردم الجزایر به رشد و بلوغ سیاسی لازم نرسیده‌اند لذا انجام انتخابات در این کشور، زودرس و غیر صحیح بود^(۲۷). غریبها، حتی پا را فراتر از این گذاشته و گفتند به طور کلی جهان سوم هنوز به بلوغ لازم نرسیده و شرایط برقراری دمکراسی را ندارد^(۲۸). آمریکا نیز به‌عنوان سردمدار جهان غرب و مدعی اول دمکراسی، انجام کودتا و متوقف کردن روند انتخابات را یک امر قانونی دانست و از آن حمایت کرد (



۲۹. به هر صورت، از آنجا که پیروزی مسلمانان، منافع استعماری غرب را در منطقه به خطر می‌اندازد و رژیم‌های متقابل به غرب را لرزان می‌نماید، با حمایت کردن از اقدامات هیأت حاکمه الجزایر، می‌شواهد به هر نحوی که ممکن است از حاکمیت یافتن مسلمانان اصولگرا جلوگیری نماید و ندای اسلامخواهی را خاموش سازند. گذشته از این، چون غربیها الجزایر را به نوعی دروازه اروپا می‌دانند، و تحولات آنجا را در جامعه اروپا مؤثر می‌دانند، لذا از این جهت نیز پیروزی مسلمانان را امری خطرناک برای اروپا می‌شمارند. به طوری که فرانسه، منافع ملی و امنیت فرانسه را وابسته به تحولات شمال آفریقا می‌داند.^(۳۰) و از اسلامخواهی مسلمانان الجزایر، بیش از دیگران وحشت دارد (چون یک اقلیت چند میلیونی مسلمان دارد و اسلام، به عنوان دومین دین رسمی در فرانسه به شمار می‌رود).

حکومت اسلامی، نیاز مردم الجزایر مسلمانان، در جریان حرکت جدید اسلامخواهی خویش بر روی نکاتی انگشت می‌گذارند که غرب را از هر حیث به وحشت می‌اندازد: اصولگرایانه حکومت اسلامی را یک نیاز اصلی برای مردم الجزایر می‌داند، خواستار وحدت امت اسلامی در سراسر جهان است، ترمیم خرد گذشته‌ها و گرایشات غیراسلامی (غربی) از صحنه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی الجزایر و آوردن اندیشه و ارزشهای اسلامی به صحنه را مورد تأکید قرار داده‌اند، دفاع از امت اسلام و مقابله با توطئه علیه اسلام را بر زبان می‌آورند و...^(۳۱) همه این موارد، درست همان چیزهایی است که غرب به شدت از آن وحشت دارد و به هر نحو ممکن با آن به مقابله می‌پردازد.

۱) از ویژگیهای حرکت و قیام کنونی مردم الجزایر، خیزش مجدد زنان مسلمان الجزایری برای دفاع از اسلام و برپایی حکومت قرآنی است. زنان مسلمان، هم اکنون مانند زمان انقلاب رهبری بخش الجزایر، چون مردان به صحنه مبارزه آمده و می‌شواهد به اهداف مقدس دینی خویش جامعه عمل پیوسته‌اند.

زنان در مساجد، مدارس و دانشگاهها و خیابانها با دست گرفتن قرآن به عنوان سبیل آرزو و خواست خویش -

۱۲ ○ ندا ○ شماره هشتم

که همان ایجاد حکومت اسلامی است - به اعتراض و تظاهرات می‌پردازند. زنان مسلمان الجزایر، اکنون با الهام از دو الگوی تاریخی موفق، پیگیر اهداف متعالی خویش می‌باشند: الگوی اول، اهمیت اساسی حضور و نقش آنها در انقلاب رهایی‌بخش کشور خودشان می‌باشند و الگوی دوم، اهمیت است که زنان مسلمان ایران در پیروزی انقلاب اسلامی داشتند.

زنان مسلمان اکنون در جمع‌ها و تظاهرات خویش با سردادن شعارهایی چون:

- مایک دولت اسلامی می‌خواهیم.

- ما برای اسلام جان فدا می‌کنیم.

- ما برای اسلام زندگی می‌کنیم... (۳۲) - به طور گسترده به میدان مبارزه گام نهاده‌اند.)

در پایان متذکر می‌گردم مسلمانان در طول چند سال اخیر، به طور مستمر برای رسیدن به اهداف اسلامی خویش کوشش کرده و در این راه، استقامت فراوان و غیرقابل شکستندگی را به جهانیان نشان داده‌اند. اکنون نیز به طور یقین برای استقرار حکومت الهی و احقاق حقوق خویش استقامت خواهند کرد و سدها و موانعی را که بر سر راه آنها قرار داده‌اند برداشته و پیروز خواهند شد. کودتا علیه جریان اسلامخواهی در الجزایر، شاید بتواند موقتاً از برپایی حکومت اسلامی جلوگیری کند و تحقق آن را به تأخیر بیندازد ولی به طور قطع نخواهد توانست در آینده با موج توفنده اسلامخواهی روبرو شود.

واحد سیاسی

نویسنده:

۱. اسلام و استعمار اثر رودلف پیترز. ص ۱۹

۲. تاریخ معاصر خاورمیانه ص ۸۹

۳. ۵-۴. اسلام و استعمار ص ۷۵

۶. تاریخ معاصر خاورمیانه ص ۹۴

۷- «جهان اسلام» جلد اول ص ۱۱۱، و «الجزایر و مردان

مجاهد» ص ۱۲۸، ۳۱.

۸. تاریخ مبارزات استقلال طلبانه مردم الجزایر (افضل الجهاد) از عمار اوزرگان ص ۳۴، و جهان اسلام جلد اول ص ۱۴۱.

۹. جهان اسلام ص ۱۴۵.

۱۰-۱۱-۱۲. الجزایر و مردان مجاهد ص ۳۰۳، ص ۱۶۷، ص ۱۴۱.

۱۳. افضل الجهاد ص ۲۵۸ و بررسی جامعه شناسی یک انقلاب ص ۱۷.

۱۴. بررسی جامعه شناسی یک انقلاب ص ۴۰ و ۲۱.

۱۵. دوزخیان روی زمین ص ۱۵۴.

۱۶. ۱۸۱۷، استعمار میرانوشته فرانتس قانون ص ۴۸، ص ۳۹ ص ۵۲.

۱۹. افضل الجهاد ص ۴۴۵، استعمار میرا ص ۷۳ و ۷۴ و ۶۲.

۲۰. استعمار میرا ص ۵۸، ۵۷، ۶۶.

۲۱. ماخذ قبل ص ۵۷ و ۵۸، ۷۳.

۲۲. ماخذ قبل ص ۵۲ و ۷۳.

۲۳. الجزایر و مردان مجاهد ص ۱۱ و افضل الجهاد ص ۳۵۳ و استعمار میرا ص ۱۲۱.

۲۴. تاریخ استعمارگری فرانسه ص ۱۵۱.

۲۵. یک استاد دانشگاه الجزیره در این زمینه می‌گوید: شادلی کاری کود که احزاب و گرایشات اسلامی به جای آنکه در زیر زمین رشد کنند و به یک حرکت توفنده تبدیل شوند، قبل از آن فرجیح داد آنها را به روی زمین آورده و به سوی یک مبارزه سیاسی پارلمانتاریستی بکشاند. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۱۱/۸، روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۱۱/۲.

۲۷. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۱۱/۶.

۲۸. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۱۱/۲۵.

۲۹. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۱۱/۲۹.

۳۰. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۱۱/۸.

۳۱. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۱۱/۲۹.

۳۲. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۱۱/۶.